بررسی تعابیر روایت سماعه

19:09

حال من دوباره برمی‌گردم و همین حدیثی را که الآن خواندم را با تأکید بر واژه‌هایش می‌خوانم. سماعه چه گفت:

«قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل صام يوما و الا يدري»؛ ببینید تأکید می‌کند که روزه را گرفته اما نمی‌داند. سرگردان است. بعد فهمید که ماه مبارک بوده. خب قوم چه گفته‌اند؟ گفته‌اند «لایعتد به». زیر «لایدری» خط بکشید. آنها به‌خاطر «لایدری» قوم، گفتند «لایعتد». حضرت فرمودند «بلی یعتد». می‌گوید که آنها دلیل دارند. آنها که گفتند «لایعتد» دلیل دارند. دلیل آنها را دوباره ذکر می‌کند. دلیل آنها چیست؟ **«فقلت: إنهم قالوا»**؛ چرا می‌گویند «لایعتد»؛ این روزه تو قبول نیست؟ **«قالوا صمت وأنت لا تدري»**؛ زیر این خط بکشید. **«أمن شهر رمضان هذا أم من غيره؟»**.

خب امام در این حدیث با یک قرینه روشن درصدد چه هستند؟ درصدد جواب دادن و منکوب کردن این قول مردم هستند که می‌گویند «صمت و انت لاتدری». پس این را بدانیم که در حدیث «لاتدری» و «لایدری» دوبار تکرار شده است. اشکال آنها باید از ناحیه امام جواب داده شود. اگر ما جلو برویم و توجه نکنیم که امام علیه‌السلام دارند به قول ناس جواب می‌دهند، اگر به این توجه نکنیم تفضل را هم همین معنایی می‌گیریم که ایشان گرفتند. اما وقتی فهمیدیم که امام علیه‌السلام دارند به قول ناس جواب می‌دهند، متوجه می‌شویم که در قسمت اول حرفشان دارند اجزاء خودشان را می گویند و با «تفضل» هم دارند جواب آنها را می‌دهند. چون بحث سر جواب از آنها بود. **«قالوا صمت و انت لاتدری»**؛ لاتدری که فایده ندارد. حضرت می‌فرمایند چرا فایده ندارد؟!

«فقال»؛ ببینید اول برای انطباق بر مأمورٌبه و «وفق» بیان حضرت می‌آید که خیلی روشن است؛ **«فقال بلی فاعتد به»**.

«**فإنما**»؛ اینجا مقابله با قول ناس است. چرا این قول ناس درست نیست؟ «فانما هو شیء وفقك الله له»؛ ماه که ماه مبارک بوده، خدا تو را موفق کرده که روزی که ماه مبارک بوده، روزه گرفتی. پس تا اینجا آنها هم حرفی ندارند که متبین شد که امروز ماه مبارک بوده، خب بگویند «وفقک الله له»! اشکال آنها این است که «صمت و انت لاتدری». حضرت توضیح کامل می‌دهند.

«إنما يصام يوم الشك من شعبان، ولا يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك، وإنما ينوي من الليلة»؛ این قسمت را در روایت بعدی که «وقع علی الیوم بعینه» دارد، عرض می‌کنم. توضیح آن فعلاً بماند. الآن می‌خواهم کلمه «تفضل» را توضیح بدهم.

«وإنما ينوي من الليلة أنه يصوم من شعبان»؛ از شب اینطور نیت می‌کند که روزه شعبان را بگیرد. **«فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله»**؛ نیت ماه شعبان کرده، اگر از

ماه مبارک بود، به تفضل خدا از او قبول می‌شود. یعنی این تفضل که مأمور به نیست، و بدل شود؟ ای تفضل در اینکه «صمت و انت لاتدری»؟ کدام یک از اینها است؟ اشکال اصلی آن‌ها این است که روزه موافق با ماه مبارک نشده؟ ای اشکال ان‌اس این است که روزه را گرفته‌ای و معلوم شد که ماه مبارک است، اما «انت لاتدری». تفضل، جواب «لاتدری» است. «صمت و انت لاتدری»، حضرت می‌فرمایند «وفقک» که روز ماه مبارک بود، اگر قرار باشد هر کجا مکلف ندانند –لایدری- قبول نشود، لهلک الناس. لذا به تفضل الله مجزی است ولو «لایدری». دوباره گفت «لایدری» حضرت می فرمایند مانعی ندارد.

دیروز روی هلاک الناس تأکید کردم. شما لباس می پوشید؛ لباس مصلی باید پاک باشد. حضرت می‌فرمایند هر لباسی که می‌پوشی –در صندوق بوده ای ...- تردی انه طاهر؟! این جور «تردی» که «وه لایدری» است. در موضوعات است. لباس می‌پوشد و می‌گوید «تردی انه طاهر؟»، می‌گوید نمی‌دانم، می گوید «تصلی مع ثوب انک لاتدری». چون نمی‌دانی تمام است. خدا می‌گوید باید «تردی». حضرت می فرمایند اگر اینطور بود که «لهلک الناس». این همه از موضوعاتی که محل ابتلای مردم است، اگر وقتی اقتحام می‌کنند، در شرع «وه دری» باشد، مردم به هلاکت می‌افتند. مثلاً به این صورت باشد که یصوم و وه دری، یصلی و وه دری، در بازار می‌رود و می‌خواهد جنسی را بخرد، تردی انه الماملک؟ تردی انه لایکون السرقه؟ می‌گوید «لااداری» لذا توقف کن. بنابراین مفهوم «لهلک الناس» خیلی مفهوم روشنی است. استدلال ان‌اس این بود که «انت لاتدری»، حضرت می‌فرمایند: «لاتدری» مهم نیست، بلکه «وفق له». جواب «لاتدری» چیست؟ این است که اگر قرار بود در همه موارد «دری» باشد، لهلک الناس. بلکه **«اجزأ عنه بتفضل الله»**؛ اینکه لایدری را مواخذه نمی کند. نمی‌گوید حتماً باید «فی حال کونک تدری» انجام بدهی. بنابراین کلمه «تفضل»، جواب قول ان‌اس است. با این قرینه داخلیه مطلب تمام است.

شاگرد: این قرینه روشن‌تر است که مردم می‌گویند ما نمی‌دانیم شهر رمضان هست یا نه، اگر امام علیه‌السلام واقعاً می‌خواستند صوم شهر رمضان را انکار بکنند، باید روی این تأکید می‌کردند که این صوم، صوم شهر رمضان نیست. درحالی‌که ذیل روایت می‌فرمایند «فان کان من شهر رمضان».

استاد: بله، «فان کان من شهر رمضان»، یعنی هست.

شاگرد: این هم خودش یک قرینه داخلیه دیگری است.

استاد: بله، ظاهر عبارت این است، ولی همه اینها به هم برمی‌گردند. با این توضیحی که من عرض کردم سه تا عنوان نزدیک به هم برای تفضل می‌شود. با فرمایش مرحوم شیخ می‌شود چهارتا.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 10:28:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 10:30:43 توسط ... .